

## مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۰

### مهرها و اثر مهرهای تخت سلیمان (آتشکده آذرگشنسپ)\*

نازنین تمری

دانشگاه ارومیه

#### چکیده

بر اساس منابع تاریخی، آذربایجان از اوایل دوره ساسانی به سبب همجواری با مسیحیان ارمنی در (شمال) و رومی در (غرب)، به صورت پایگاه عمده نظامی، و به سبب وجود آتشکده آذرگشنسپ در تخت سلیمان (شیز باستانی) به صورت جایگاه دینی مهمی برای ساسانیان به شمار می‌آمد. تخت سلیمان در شمال شرقی تکاب و در جنوب دریاچه اورمیه با بقایای معماری دو دوره (هخامنشیان و ساسانیان) از محوطه‌های باستانی مهم و مورد علاقه باستان شناسان جهان است. در واقع تخت سلیمان وسیع‌ترین تاسیسات دینی، سیاسی و اداری اواخر دوره ساسانی است که تا کنون شناسایی و بخشی از آن از زیر خاک بیرون آورده شده است. بقایای مجموعه تاریخی آتشکده آذرگشنسپ در درون حصار بیضی شکل و با دروازه‌های بزرگ مربوط به دوره ساسانی و آثاری از دوران اسلامی باقی مانده است.

در کاوش‌های باستان شناسان آلمانی و سوئدی در تخت سلیمان، شمار فراوانی مهر و اثر مهر (نقشی که توسط مهرها بر روی گل ایجاد شده است) از اواخر دوره ساسانیان کشف شده است که به روشن شدن اوضاع اداری آن دوره، به ویژه نام کارکنان و بلندپایگان این ناحیه و حتی نوع مقام و سمت آن‌ها کمک بسیاری می‌کنند و سبب فزونی دانش ما از مجموعه نام‌های خاص از آن دوران گشته‌اند. هم چنین، از طریق تصاویر ایدئوگرام‌های موجود بر اثر مهرها به باورها و اعتقادات مردم در آن دوران می‌توان پی برد. کشف مهری که

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: xshayasiya@yahoo.com

نام آذرگشنسپ بر روی آن آمده، سبب اثبات این نام (آذرگشنسپ) برای تخت سلیمان امروزی شده است. روشن شدن نام برخی ضرابخانه‌ها را که به صورت اختصار بر روی سکه‌های آن دوران آمده، نیز مدیون این کشف بزرگ هستیم.

## واژگان کلیدی

آذربایجان، آذرگشنسپ، اثر مهر، تخت سلیمان، ساسانیان.

### ۱- مقدمه

گل مهرها با بستر گلی و اثرهای برگرفته از مهرها از اسناد مهم باستان شناختی محسوب می‌شوند. در این اواخر اهمیت اثر مهرها به عنوان منبعی مهم برای تاریخ و تمدن ایران ساسانی بیش از پیش روشن شده است.

گل مهرها معمولاً لقمه‌هایی از گل در ابعاد مختلف هستند که در جریان مهر کردن اسناد و کالاها شکل می‌گیرند. هنگامی که هنوز خیس و نرم هستند، تعدادی مهر در ترتیبات مناسبی و حقوقی معین و در اندازه‌های گوناگون بر آنها زده می‌شود. قطعات مزبور اگر خام می‌مانند، به زودی تخریب می‌شوند و از بین می‌رفتند، ولی در صورت پخته شدن شرایط حفاظتی خوبی بر آنها حاکم می‌شد. نمونه‌های کشف شده این نوع قطعات عملاً پخته شده‌اند، ولی زمان و روند پخته شدن آنها، و دلایل این امر در حاله ای از ابهام قرار دارد. آثار یافت شده اگرچه زیادند، ولی جوابی مستدل ارائه نمی‌دهند و نمی‌توان تأکید به یقین بر اتفاقی بودن یا عمدی بودن عمل پخته شدن آنها ابراز داشت.

نگارنده در این مقاله، به توصیف و تحلیل اثر مهرهای ساسانی به دست آمده از تخت سلیمان (آتشکده آذرگشنسپ) که تا کنون منتشر شده‌اند می‌پردازد و تلاش دارد آنها را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده و به پرسش‌هایی درباره محتوای اصلی و کاربرد عملی و پیکر نگاری و کتیبه‌های اثر مهرها پاسخ دهد.

### ۲- موقعیت تخت سلیمان

تخت سلیمان (شیز باستانی) واقع در شمال شرقی تکاب و در جنوب دریاچه اورمیه، در جهت شمالی - جنوبی ۳۹۰ متر و در جهت شرقی - غربی ۳۰۰ متر

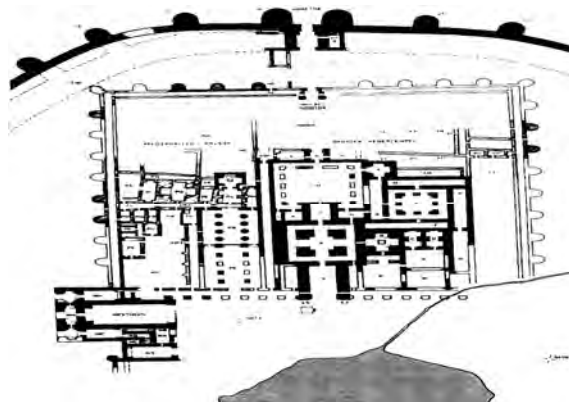
گسترش دارد. این محوطه که مخروط ناقصی از آهک رسوب کرده است، به شکل بسیار منظمی با ارتفاع ۵۰ متر از کف دره در سمت غرب آن قد برافراشته است (فون در اوستن و رودولف ناومان، ۱۳۷۳، ۳۳). دریاچه‌ای در رأس آن قرار گرفته و نهرهایی که از آن سرچشمه گرفته و به پایین سرازیر می‌شوند، زیبایی به خصوصی به این مکان مقدس بخشیده‌اند. این محدوده به وسیله حصار محصور است که در آن از سال ۱۹۵۹ کاوش‌هایی انجام گرفته است. در کاوش‌های سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ در تخت سلیمان (آذرگشنسپ)، ۲۵۰ قطعه گل مهر (اثر مهر) ساسانی در جبهه جنوبی اتاق Z در محدوده بناهای دینی کشف شده است. در سال ۱۹۷۷ نیز ۹ گل مهر دیگر به صورت پراکنده در جبهه‌های شمال و غرب محل کشف قطعات قبلی به دست آمد. کاوش‌ها و پژوهش‌های کنونی نیز آگاهی‌های گران‌بهایی را هم در روند کاربری و تاریخ‌گذاری محوطه و هم در زمینه مهرهای ساسانی و روند استفاده از آن‌ها نوید می‌دهد.

کشف این گل‌مهرها (اثرمهرها) در تخت سلیمان حاکی از اهمیت آن جا است. در اواخر دوره ساسانی، پادشاهان این سلسله همواره به بخش شمال‌غربی ایران که توسط سپاهبند آدوربادگان (Ādūrbādgan) اداره می‌شد، توجه بسیاری داشتند. این بخش همواره منطقه‌ای استراتژیکی و سنگر دفاعی مهمی برای ایران به شمار می‌آمد (Ghodrat-Dizaji, ۲۰۰۷، ۸۷-۹۳). گذشته از آن در تخت سلیمان (شیز باستانی) مهم‌ترین آتش‌ایران یعنی آذرگشنسپ، آتش‌شاهی قرار داشت که پادشاهان به هنگام جلوس با پای پیاده به زیارت آن می‌آمدند. در میان آتش‌های دوران ساسانی، سه آتشکده که در آن‌ها آتش بهرام می‌درخشید، از اهمیت بسیاری برخوردار بودند که در این میان آتش‌آتشکده آذرگشنسپ از آن شاهان و ارتشیان بود و اهمیت بیشتری داشت (تفضلی، ۱۳۸۷، ۹۸). هم‌چنین شاید در تخت سلیمان، مغان، آمارگران و سایر بلندپایگان نیز خدمت می‌کرده‌اند (Ghodrat-Dizaji, ۲۰۰۷، ۸۷-۹۳). نام آذرگشنسپ برای این مکان توسط مهری که این نام بر روی آن حک شده بود، تأیید شده است (مهر ۱۷۰۳ از

فهرست مهرهای گویل). البته نام آذرگشنسپ در آن روزگار، هم بر مکان‌ها و هم بر اشخاص اطلاق می‌شده است (Yamauchi, ۱۹۹۳، ۷-۴۶). دور محوطه مقدس آتشکده با حلقه‌ای از اتاق‌های قلعه مانند محصور و محفوظ بوده است. این حصار دارای ۱/۱۲۰ کیلومتر طول و دو دروازه با ظاهری تدافعی می‌باشد (ناومان، ۱۳۷۴، ۲۵-۲۳). آتشکده‌های دوران ساسانی مانند معابد یونانی و رومی شکل شرعی نداشتند، بلکه آن‌ها در مفهوم ایران باستان «آیدانه» (āyadana) یعنی پرستشگاه به‌شمار می‌رفتند و اشکال کاملاً متفاوتی از چهار طاقی‌های ساده تا آتشکده‌هایی با فضاهای وسیع را شامل می‌شدند (همان، ۴۳).

### ۳- محل کشف گِل مهرها

محل کشف گِل مهرها و اثرمهرها کنار ورودی اصلی بنای آتشکده که به حیاط ستون دار M وارد می‌شود، قرار دارد. در اتاق Z بین کف و سنگفرش موجود، در لایه‌ای از گِل و بقایای ناشی از آتش سوزی به ضخامت ۲۲ سانتی‌متر، گِل مهرهای بایگانی به دست آمده‌اند. بخشی از آن‌ها روی سطح رسوبی و بخشی روی سطح آوار گِل و بقایای آتش سوزی قرار داشتند و بخشی از آن‌ها نیز به سنگ‌های سنگفرش متصل به آوار ناشی از آتش سوزی چسبیده بودند. قطعات بزرگتر در نوار باریکی نزدیک دیوار جنوبی به تعداد محدود از سرای N تا حدود ۶/۴۰ متر به سمت غرب قرار داشتند. قطعات کوچکتر با آن‌ها مخلوط بودند، ولی در مقداری بسیار کم تا حدود ۳/۲۰ متری دیوار جنوبی پراکنده شده بودند، زیرا تعداد زیادی از آن‌ها در گِل مانده و به سبب تغییر رنگ، از کلوخ‌های گِل رُس متمایز شده‌اند (ناومان، ۱۳۸۴، ۴۵).



(Source:Huff, ۱۹۸۷،۳۶۸)

شرایط و موقعیت کشف اثر مُهرها، سبب شده است تا حفاران علل پخته شدن آن‌ها را آتش سوزی بدانند. هم چنین، انباشته بودن اثر مُهرها (گل مُهرها) نیز بر این امر صحنه می گذارد. بسیاری بر این باورند که گل مُهرها (اثر مُهرها)ی موجود در آرشیو، بعد از حمله هراکلیوس، امپراطور بیزانس به ایران در ۶۲۸ م و آتش زدن آتشکده سوخته اند. حاصل بررسی های باستان شناختی و مطالعات آزمایشگاهی نیز این بوده است که پخته شدن قطعات گلی تخت سلیمان احتمالاً موید عملکردی عمدی است (Huff, ۱۹۸۷،۳۷۱). حرارت ایجاد شده در پخته شدن قطعات، نامنظم و حرارتی بین ۹۰۰ تا ۱۱۰۰ درجه سانتیگراد در بخش عمده‌ای از گل مُهرها مشاهده شده است و این حرارت، بیش از درجه حرارت معمول کوره سفالگری است (Ibid, ۳۷۲). گل به کار رفته در بعضی موارد، گل سفالگری نیست و در آن‌ها ذرات کوارتز و میکا وجود دارد و به گل ظروف پخت و پز سده های نخستین اسلامی تخت سلیمان شباهت دارد (گوبل، ۱۳۸۴، ۱۵). از آنجا که این قطعات، اسناد بسیار مهمی برای این دوران به شمار می آیند، آن‌ها را در کوره ها می پختند و سپس، در آرشیو نگه داری می نمودند. « البته استحکام بخشیدن به قطعات (اثر مُهرها) را می توان عملی برای بهبود شرایط اثر مُهرها به هنگام ذخیره سازی برای مدّت طولانی ارزیابی نمود» (Huff, ۱۹۸۷، ۳۷۴)، یعنی احتمالاً نگهداری آن‌ها در آرشیو نیز برای مقاصد اداری بوده است.

#### ۴- زمان گِل مهرها

یکی از مشکلات همیشگی که در مورد مهرها وجود دارد، تاریخ گذاری آنهاست. تلاش فراوانی صورت گرفته است تا یک طبقه بندی زمانی حدس زده شود، ولی حدسیات دانشمندان، تفاوت های بسیاری با یکدیگر دارند (گوبل، ۱۳۸۴، ۳۹). شاید بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد اثر مهرها (گِل مهرها) ی یافت شده در قصر ابونصر و تخت سلیمان به احتمال به دوره ای تقریباً از خسرو اول (۵۷۹-۵۳۱ م) تا خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸ م) تعلق دارند. هیچ کدام از مهرهای اداری ساسانی پیش از قباد اول تهیه نشده اند. تصمیم به اینکه مقامات اداری می بایست مهری داشته باشند، به دستور قباد اول برای موبد و آمارگر، و برای داور به دستور خسرو اول بوده است (Perkhanian, ۱۹۹۷, ۲۱۴- ۲۱۵). در تخت سلیمان فاصله زمانی دو تاسه نسل را مطمئناً شاهد هستیم (گوبل، ۱۳۸۴، ۳۹). به طور کلی گِل مهرها، متعلق به دوره ای نزدیک به یک قرن پیش از تخریب این مکان مقدس توسط هراکلیوس (۶۲۷/۸ م) می باشند (ناومان، ۱۳۷۴، ۷۳؛ نیز نک: گوبل، ۱۳۸۴، ۲۳).

#### ۵- جنس گِل مهرها (اثر مهرها)

جنس بیش تر مهرها در دوران ساسانی از عقیق و یا سنگ های آهکی بوده است (واندنبرگ، ۱۳۷۹، ۲۲۴). جنس گِل مهرها هم بیش تر گِل رُس است که گِل رُس مورد استفاده در گِل مهرها بسیار متفاوت است. در کنار گِل رس نرم، جنس زبر دانه دار مخلوط با کوارتز وجود دارد و رنگ آنها نیز از زرد روشن تا قرمز تیره متغیر است، این بدین معنی است که گِل رس گِل مهرها (اثر مهرها) از نقاط مختلفی تهیه شده است (گوبل، ۱۳۸۴، ۴۵). اثر مهرهای تخت سلیمان (آتشکده آذرگشنسپ) نشان می دهند تعداد زیادی از مهرها به عنوان نگین انگشتری یا به عنوان گردن آویز بوده اند (همان، ۱۱۱).

#### ۶- انواع گِل مهرها و نقوش روی آنها

گِل مهرها انواع مختلفی دارند: ۱) گِل مهرهایی با پشت تخت و مقعر که دارای آثاری شبیه به بست هایی از ریسمان بافته یا تسمه هایی از چرم یا پوست

هستند. درحالی که روی گِل مُهرها تقریباً گنبدی شکل است، پشت آن‌ها اشکال بسیار متفاوتی دارد؛ برخی دارای قوسی مقعر هستند؛ ۲) برخی دیگر مسطح و سوراخ‌هایی برای بند و ریسمان یا آثاری چهار گوش را دارند. در میان تصاویری که بر روی مُهرهای تخت سلیمان (آتشکده آذرگشنسپ) ظاهر شده‌اند، طبق طبقه‌بندی‌ای که روبرت گوبل انجام داده، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

### ۶-۱- گروه اول، ایزدان و انسان‌ها

تصاویر ایزدان پشتیبان و حیواناتی که بدانها منسوبند و حلول و جسم یافتن آن‌ها جزء موضوعات این مجموعه مُهرهاست. گاهی ایزد آتش به صورت نیم تنه‌ای در بالای یک آتشدان نمایان می‌شود و در جایی دیگر ایزد میترا به وسیله دو اسب بالدار برده می‌شود (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۴۳). در میان تصاویر تندیس‌های انسانی، تندیس‌های کامل شماره‌های ۱۷، ۸، ۷، ۶، Ni. از فهرست مُهرهای گوبل هستند. علاوه بر چهره‌های مردانه، چهره‌های زنانه نیز دیده می‌شوند. یکی از جالب توجه‌ترین اثر مُهرها (گِل مُهرها)ی تخت سلیمان ( Ni.۶۳) از فهرست مُهرهای گوبل، مُهری است که آن‌ها را با هاله‌ای دور سرش نشان می‌دهد و شباهت کاملی به تصاویر روی دینارها و درهم‌های خسرو دوم دارد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۲، ۹۲). این مُهر به نوعی نشان دهنده تقدس آن‌ها در تخت سلیمان می‌باشد. صحنه‌های اعطای منصب و تندیس سَر و سینه زوج‌ها و جنگجوی سوار بر اسب، از تصاویر مهم دیگر هستند.

### ۶-۲- گروه دوم، حیوانات

در تخت سلیمان حیواناتی مانند عقرب، که گاهی به عنوان طرح ضمیمه در کنار شیرهاست، دیده می‌شوند. باید توجه داشت هر دو حیوان در مهر پرستی نقشی را ایفا می‌کنند. نیز تعداد پرندگان که در میانشان مرغابی برتری دارد، فراوان دیده می‌شوند که غالباً حیوانی را شکار کرده و در منقار دارد و گاهی نوارهایی به گردنش بسته است. در یک مورد بسیار نادر (Ni.۱۲۲) پرنده در منقارش حلقه‌ای همچون حلقه شاهی را حمل می‌کند. از پرندگان دیگر قرقاول،

مرغ شاخدار، طاووس، خروس (این حیوان به دلیل اینکه روشنایی صبح را نوید می‌داد، مقدس بود)، قاز و عقاب به چشم می‌خورند. در بین چهارپایان نیز می‌توان به خرگوش، موش یا موش صحرایی، سگ، گرگ و شیر اشاره کرد که با نقشی از نمادهای ستاره شناسی، هلال ماه، ستاره و نیز عقرب، همراهند. حیوانات دیگر فیل، گورخر، خوک نر، خرس، شتر، گوزن، گاو کوهان دار، قوچ، بز کوهی، گوسفند و گوساله نیز بر روی اثرمهرهای یافت شده، دیده شده اند.

### ۳-۶- گروه سوم، حیوانات اسطوره‌ای

اسب بالدار که به اصطلاح نماد و نشان آذرگشنسپ است، از همه فراوان تر است (معنای تحت الفظی کلمه آذرگشنسپ، آتش اسب نر می‌باشد (گوبل، ۱۳۸۴، ۶۴)). گوید شاه، یکی دیگر از موجودات اسطوره ای است. شیردال با سردیس شیر بالدار، سیمرخ، شیر بالدار، اسب بالدار، گاو کوهاندار بالدار، گاو کوهاندار با بدن ماهی و حیوانات اسطوره ای گوناگونی بر روی مهرهای تخت سلیمان دیده شده اند.

### ۴-۶- گروه چهارم، نبرد حیوانات

تحلیل محتوایی مبارزه حیوانات در دوره ساسانی به نظر می‌رسد هنوز کاملاً شناخته و درک نشده است.

### ۵-۶- گروه پنجم، اندام‌های به هم چسبیده (دو پیکری)، اندام‌های

#### دورانی و ضربداری

آن‌ها غالباً ترکیباتی کاملاً عجیب دارند. یک مهر با عقابی دو سر (Nr . ۵۲۱)، چهار سردیس جانوری به دور یک تندیس سر و سینه در وسط (Nr ۵۲۳). که احتمالاً آنهایتا است، قابل توجه است. بر روی مهرهای دیگر دوران ساسانی سواری با یک مار شش سر می‌جنگد که در داستان های شاهنامه به فراوانی دیده می‌شود (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۴۳). حیوان چند سر که به نظر می‌رسد یک ابداع ایرانی است، بر روی سنگ‌ها نیز حک می‌شده، مثلاً سر انسان را با سر یک شیر یا یک پرنده ترکیب می‌کردند، ولی نمی‌توان معنی و مفهوم آن‌ها را روشن



ساخت. گاهی پرنده ای دارای سه چهره انسانی ظاهر می شود و گاهی نیز چهار یا پنج بدن یک حیوان یک سر واحد می گیرند (همان جا).

#### ۶-۶- گروه ششم، گیاهان

شاخه ها، گل ها و میوه ها و به ویژه در میان آن ها گل «لاله» و نیز انار بسیار دیده می شود. انار معنی و مفهوم پادشاهی را دارد، چه در شرق ایران آرتیشوها و انارهای نشان روی تاج که جای گوی شاهنشاهی را می گیرند، جزو اجزای اصلی تشکیل دهنده تاج بودند (گوبل، ۱۳۸۴، ۶۶).

#### ۶-۷- گروه هفتم، جمادات

آتشدان که با توجه به وجود آتشکده آذر گشنسپ وجود این تصویر دور از انتظار نیست.

#### ۶-۸- گروه هشتم، نمادها و اثر مهرهای نشان

از نمادهای ستاره شناسی، هلال ماه و ستاره استفاده شده است. در مورد اثر مهرهای نشان، می توان گفت آن ها به عنوان علامت شناسایی شخص، خاندان و موقعیت و رتبه صاحب مهر است.

#### ۶-۹- گروه نهم، کتیبه

مهرهای صرفاً کتیبه دار، یعنی بدون عناصر تصویری، در دوره ساسانی تعدادشان زیاد نیست. در نخستین گروه مهرهای اداری قرار دارند که در تخت سلیمان (آذر گشنسپ) پنج مهر از آن را داریم که دو مهر محلی است که یکی از آن ها مهر موبدی بزرگ در آذر گشنسپ است که مقامش در واقع باید برابر بزرگ یک خاندان یا موبدان موبد باشد و دیگری عنوان «گشنسپ فرمدار» *Gošnasp fremedār* را دارد که در حقیقت فرمانده کل شهری با استحکامات نظامی است (گوبل، ۱۳۸۴، ۶۸ و برای دیدن مهرهای موبدان دوران ساسانی و نیز عنوان *fremedār* نک: ۱۱۹-۱۱۴، ۱۹۸۹، Gyselen). دو مهر غیر محلی نیز پیدا شده که از نوع مهرهای (*drigošān jādaggōw ud dādwar*) یعنی «مدافع درویشان و داور» هستند (Gyselen, 1989, 114-).  
۱۱۹؛ برای مهرهای این گروه نک: ۱۱۳، ۱۹۸۹، Gyselen).

بر اساس اطلاعات موجود می‌توان گفت که در دوره ساسانی دو نوع مهر کاربرد داشت: مهرهای اداری یا دولتی و مهرهای شخصی یا غیر دولتی. مهرهای اداری یک منبع مستقل و غیر وابسته برای بازسازی فهرست بزرگان اواخر دوره ساسانی هستند. این مهرها از مقامات غیر نظامی و روحانی و واحدهای اداری نام می‌برند، ولی اطلاعات جغرافیایی کمی را ارائه می‌کنند. هیچ کدام از مهرهای اداری ساسانی قبل از قباد اول تهیه نشده‌اند و این موضوع از کتاب پهلوی‌مادیان هزار دادستان کاملاً پیداست. در این کتاب بیان شده، مهرهای موبدان و آمارگران برای اولین بار در زمان قباد اول ایجاد شده‌اند (Perkhanian, ۱۹۹۷, ۲۱۴-).<sup>۲۱۵</sup> مهرهای اداری و رسمی متعلق به روحانی بزرگ شهری هستند که اجازه مالیاتی یا ترانزیتی می‌داده‌اند (Frye, ۱۹۷۴, ۱۵۷). و آنها تنها دارای نوشته‌اند و هیچ مونوگرامی ندارند و معمولاً نام یک مکان را به علاوه یک اداره را، اما بدون نام شخص، ارائه می‌کنند (Idem, ۱۹۷۳, ۴۹). در کتاب مادیان هزار دادستان آمده است که: (magopat(mobad)، در هر شهری، و داور (dādwār)، در هر ناحیه‌ای نوشته‌ای را که می‌توانست اجرا شود، مهر می‌کردند (Perkhanian, ۱۹۹۷, ۲۲۶-۲۲۷). احتمالاً در هر شهر یا ناحیه‌ای آرشیوی وجود داشت که تحت نظارت موبدان بوده است (Frye, ۱۹۷۳, ۴۹). مهرهای اداری در کتیبه حاشیه، ابتدا محل و موضع یعنی حوزه اداری و در پایان مقام و منصب و عنوان را ذکر می‌کنند (گوبل، ۱۳۸۴، ۱۵۴). هم‌چنین مهرهای اداری بزرگتر از مهرهای غیر اداری (شخصی) بوده‌اند (Frye, ۲۰۰۲, ۵۴۶).

مهرهای شخصی به نظر ریچارد فرای متعلق به دارنده کالا است (Idem, ۱۹۷۴, ۱۵۷) که این مهرها به جای امضا یا برای تأیید آن چه صاحب مهر به همراه مهر فرستاده است، به کار برده می‌شدند. این امضای روی مهرها، تصاویر حیوانات، پرنده‌گان یا صورت انسان‌ها، یا کتیبه‌ای با نام خودش، یا نمادهای مذهبی را شامل می‌شدند (Frye, ۱۹۷۳, ۴۷). مونوگرام‌ها یا اختصارات به عنوان ترکیبات متمایز و ویژه در مهرهای شخصی به کار برده می‌شدند و مهرهای دارای این ترکیبات خاص و ویژه، مهرهای «نشان» می‌باشند که در

فارسی میانه به آن‌ها « نشان » (nišan) می گفتند. مونوگرام‌ها به عنوان علامت شناسایی شخص، خاندان و موقعیت و رتبه وی بر روی وسایل گوناگونی ظاهر می شود. بر روی زمینه یکی از دو طرف تاج‌ها و کلاه‌های فرمانروایان و شخصیت‌های بلند پایه، روی عرق گیرهای تزئینی اسب‌ها، ظروف نقره‌ای و لوحه‌های گچبری، به ویژه در نقوش مهرها دیده شده‌اند. این علائم در ادبیات تخصصی به عنوان درفش یا نشان درفش و سپر تلقی می شوند (گوبل، ۱۳۸۴، ۱۳۷).

تصاویر و نوشته‌هایی که بر روی اثرمهرها (گل مهرها)، به عنوان میراثی که از گذشته مهرها باقی مانده‌اند، کمک فراوانی به روشن تر شدن تاریخ اقتصادی، هنر و منصب‌های دولتی و حکومتی و نیز ابهامات و معماهای موجود در خود مهرها می کنند. اثر مهرهای موجود را می توان از نظر زمانی و محتوای مطالب و از لحاظ هنری بررسی نمود، بنابراین، تصاویر حک شده بر روی آن‌ها می توانند برای تفسیر و تحلیل بسیار مفید باشند.

بر روی برخی مهرهای دوران ساسانی موضوعاتی نظیر نیم تنه اشخاص، از شخصیت‌های برجسته یا صاحب منصبان بلند پایه ی کشوری یا لشکری و گاهی نوشته‌هایی در اطراف مهرها با عنوان و نام دارندگان آن‌ها و اغلب حیواناتی مانند اسب بالدار و بُز کوهی و گاو و میش و خروس و گاهی نیز علامت‌هایی مربوط به ایزدان دیده می شود. در میان خطوط روی مهرها بیش تر عبارتی دیده می شود که مومنان زرتشتی را به داشتن اعتقاد به ایزدان (آپستان اویزدان apastān ö yazdān) دعوت می کند و این عبارت نشان می دهد که آنان برای جلب لطف و یا حمایت نیروهای ایزدی برای صاحب مهر، آن را حک کرده‌اند (همان، ۲۴۳). دسته‌ای از مهرها، سنگ‌های بیضی شکل از جنس عقیق یا بلوراند که بر روی آن‌ها صورت پادشاهان یا صاحب منصبان بلند پایه را به صورت برجسته نقش کرده‌اند. معروف‌ترین آن‌ها پیروزی شاپور یکم را بر والرین نشان می دهد. این مهر در کابین مدال‌های کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود (واندنبرگ، ۱۳۷۹، ۲۲۴ و نیز نک: ویزه هوفر، ۱۳۸۲، ۲۷۳-۲۰۵).

با وجود تفاوت اشکال، جنس گِل رس و نیز هویت اثر مُهر، می توان پذیرفت که بیش تر اثر مُهرها در مجموعه ی اسناد و مدارک در محدوده آتشکده تهیه شده اند (ویزه هوفر، ۱۳۸۲، ۱۱۲-۴۵). مرکز بزرگی مانند تخت سلیمان که آتش برجسته شاهنشاهی ساسانی با کادر بزرگ روحانیان در آن قرار داشت، همواره نیازی دایمی به مُهرهای تازه ساخته شده داشته، بنابراین همواره مُهرهایی در دسترس داشته باشد. از سوی دیگر، آتشکده ها صرفاً محلی برای عبادت نبوده اند، بلکه در آن ها آموزش های علمی نیز رایج بوده است (شکاری نیری و ضیافر، ۱۳۸۸، ۱۶۹)، این بدین معنی است که روحانیان شاغل در آذرگشنسپ، سفارش دهندگان دایمی کارگاه هایی بودند که منحصرأ برای آنان کار می کرده اند، و این موضوع نیز گویای این است که روند مُهر کردن در تخت سلیمان و در ارتباط با اهداف مکان مقدس انجام گرفته است. بنابراین، اکثر مُهرها به هر حال از جای دیگری به این جا نیامده، بلکه در خود تخت سلیمان تهیه می شده اند (گوبل، ۱۳۸۴، ۱۱۴). بی شک در هر شهر ایرانی دوره ساسانی، حکاکان مُهر و کارگاه های مربوط به آن در سطوح مختلف وجود داشته است، ولی با این حال، وجود مراکز خاصی نیز در نقاط اصلی بزرگ، حتمی است. بدین ترتیب بخش نه چندان بزرگی از مُهرهایی که در اثر مهرهای تخت سلیمان ظاهر می شوند، برای موبدان و صاحب منصبان مختلف تخت سلیمان ساخته و در همان جا استفاده شده است (همان، ۱۱۶). بنابراین، کیفیت متفاوت و غالباً بسیار بالای هر یک از مهرها، نظم و قاعده در تزئین و نیز تعداد فراوانی از مهرهای اداری و شخصیت های اداری که باقی مانده است، مارا به این نتیجه می رساند که حرفه حکاکای مُهر، دست کم در اواخر دوره ساسانی نه تنها شکوفایی ویژه ای داشته، بلکه دارای مراکز و مدارس ویژه ای نیز بوده است که دست کم از دوره خسرو اول، به شکلی باید زیر نظر دولت بوده باشد. مهرها و اثر مهرها نشان می دهند که سنتی حرفه ای به طور عام و گاه نیز به صورت خاص وجود داشته است (همان، ۳۹). برای نمونه، در یکی از مُهرهایی که از این دوران یافت شده، صحنه تاج بخشی سواره و دشمنی که بر زمین افتاده، از آثار صخره ای اقتباس

شده است. این سوار که اسبش بنابر روش غربی ساخته شده است، این احتمال را به وجود آورده که یک هنرمند خارجی آن را ساخته، ولی در کمال امنیت، زین و برگ ساسانی را برای سواره به تصویر می کشد. این احتمال هم وجود دارد که یک کارگاه ایرانی «خارجی» وجود داشته باشد (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۴۲).

### ۷- مجموعه مهرهای گیزلن

جا دارد در این جا نگاهی کلی داشته باشیم به مهرهای سپاهیان ساسانی که خانم ریکا گیزلن تعدادی از آن‌ها را منتشر کرده است:

واژه پهلوی *spāh* در نوشته های زرتشتی بسیار دیده می شود (تفضلی، ۱۳۸۷، ۱۰). عنوان سپاهبد (*spāhbed*) به معنای فرمانده سپاه در نوشته های مربوط به دوران ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ م) نیز آمده است. نام‌های اسپهبدانی که بر روی این مهرها حک شده اند، عبارتند از: چهر بُرزین (*čīhr-burzēn*)، دادبُرز مهر (*dād-burz-mihr*)، بهرام (*wahrām*)، آدورماه (*ādurmāh*)، وه شاپور (*wēh-šābuhr*)، پی‌رگ (*pīrag*)، شهربَرز (*šahrwarāz*)، ویستخم (*wistaxm*)، گورگون (*gōr-gōn*)، سیدوش مهر (*sēd-hōš-mihr*) و سیدوش مهران (*sēd-hōš-mihrān*)، که همگی در حالی که زره پوشیده اند و نیزه ای در دست دارند، سوار بر اسب تصویر شده اند (Gyselen, ۲۰۰۱, ۳۵-۴۶). این اسپهبدان عناوین دیگری نیز دارند؛ مانند «هزاربَد *hazārbed*»، «اسپهبد پارسی *pārsīg aspbed*»، «اسپهبد پهلوی *aspbed ī pahlaw*»، «شهراسپهبد/شهراسب بد *šahraspbed*»، «شهرهزارفت *šahrhazāruft*»، «شهروراز/شهربراز *šahrwarāz*» (Ibid, ۲۰، ۲۷).

مضمون واحد شمایل نگاری که بر روی تمامی این مهرها دیده می شود، نیمرخ سوارکاری زره پوش است. زره ها و یراق آلات و حتی دُم اسب این سوارکاران (اسپهبدان) با هم متفاوت اند. به طور کلی، این مهرها برای تاریخ نظامی و نام شناسی (*onomastics*) ایران ساسانی و برای اثبات درستی مطالب متون کتبی این دوران نیز بسیار اهمیت دارند.

## ۸- کاربرد مهرها

در مورد مسئله کاربرد اصلی مهرها دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. روبرت گوبل معتقد است که اثر مهرها را بر اسناد می‌بستند (گوبل، ۱۳۸۴، ۳۰)، ولی ریچارد فرای با رد این مطلب می‌نویسد: «نه در قصر ابو نصر و نه در تخت سلیمان اثری از سوختن پارشمن، چرم یا یاپیروس پیدا نشده است و نیز آن‌ها را در اتاق‌های بایگانی یافته‌اند و خود آن‌ها سند به شمار می‌رفتند» (Frye, ۱۹۷۴, ۱۵۷). البته شاید آن چه مهرها بدان وصل بوده‌اند، چه کالاها و چه اسناد همراه با آن‌ها نسوخته باشند تا آثاری از آن‌ها را در اطراف مهرها جست و جو کرد. فرای می‌نویسد که مهرواره‌ها به اسناد بسته می‌شدند، ولی اثر مهرها به کالاها وصل بودند، و نیز می‌گوید: «مهرواره‌ها برای به پیوست فرستادن اسناد یا به عنوان برجسب‌هایی برای تشخیص یا گواهی ثبت اسناد استفاده می‌شدند» (Ibid, ۱۵۸).

به هر حال، دیدگاه‌های رایج را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود (Huff, ۱۹۸۷, ۳۷۸):

۱- گروهی بیشتر اثر مهرها را به عنوان گواهی‌های اداری یا شخصی می‌دانند که به اسناد یا قطعات نوشته دار وصل می‌شدند. این کارکرد با نمونه‌های رایج در فرهنگ شرقی و هم در اروپا در قرون وسطی و هم چنین در قرون اخیر شباهت دارد.

۲- گروهی دیگر معتقدند که بخش اصلی اثر مهرهای ساسانی به عنوان برجسب، به بسته‌ها یا لنگه‌های کالا، برای تأیید کیفیت کالا و یا تأیید صاحب مهر، وصل می‌شدند. بعد از اینکه از کالا جدا می‌شدند، به عنوان گواهی و سند معاملات بازرگانی در آرشیو، نگه‌داری می‌شدند و مانند اسناد صورت حساب یا اسناد مالیاتی امروزی به شمار می‌رفتند.

نتیجه‌گیری در مورد کاربرد مهرها در دوران ساسانی وابسته به نقوشی می‌باشد که بر پشت مهرواره‌ها و اثرمهرها وجود دارند. نقوش پشت اثرمهرها اکثراً صاف هستند و مشکل بتوان آن‌ها را مشخص نمود. گاهی اثرات الیاف گون

و نقوش ریسمان، نشان می‌دهد که آن‌ها به چیزی بسته شده بودند. مشخص نمودن اشیای ضمیمه شده به اثر مَهرها نیاز به گذر زمان و بررسی های بیش تری دارد.

### ۹- روش مهور ساختن اسناد و کالاها و دلایل این امر

در دوره ساسانی دو روش برای ضمیمه کردن گِل به اسناد یا کالاها و سر انجام نقش کردن مَهرها بر روی آن یافت شده است: (۱) اولین روش از طریق ایجاد کردن یک حفره در اثر مَهر و نیز در آن طومار پوستی یا چرمی بود. سپس، آن دو را به وسیله عبور دادن ریسمانی در حفره‌ها، آن‌ها را به هم می‌پیوستند. (۲) دومین روش این بود که بر روی یک سند یا روی لنگه یک کالا محلی گود برای قرار دادن گلوله ای بزرگ گلی وجود داشته و آن‌ها را بدین ترتیب ضمیمه همدیگر می کردند (Frye, ۲۰۰۲, ۵۴۵-۵۴۶).

اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا ساسانیان باین شدت از مَهرها استفاده می کردند؟ گفتن اینکه آن‌ها فقط علاقه شدید به استفاده از مَهرها داشتند، قانع کننده نیست و نمی‌تواند پاسخ پرسش ما باشد. در مورد اینکه مَهرها به عنوان شناسنامه‌ای فردی که در آن منصب شخص، شغل و نماد مربوط به کار یا خاندان به کار می‌رفتند، شکی نیست، اما می‌توان به نکاتی دیگر نیز توجه نمود:

- پیدا شدن سه مجموعه بزرگ از مَهرها در سه منطقه بسیار مهم آق تپه در جنوب ترکمنستان و در تخت سلیمان (درون بنای آتشکده) در آذربایجان غربی و در قصر ابونصر در شیراز ما را متمایل به این نظر می‌کند که از آنجا که این مناطق بر سر شاهراه‌ها و مسیرهای تجاری قرار داشتند، شاید مَهرها و اثر مَهرها بر گه عبور و ترانزیت کالا بوده باشند.

- دیواری (دژی) در منطقه شمال کشور یافته اند که دژی ساسانی، برای مقابله با تهاجم اقوام بیابانگرد و مهاجمان شمالی بوده است (Nokandeh & ۱۷۳-۱۲۱, ۲۰۰۶, ...). در منطقه شمال غرب نیز پایگاه مذهبی (در برابر مسیحیان ارمنی و رومی) و نظامی در آذربایجان قرار داشته و در جنوب نیز

خاستگاه ساسانیان، پارس قرار داشت. از آنجا که سه مجموعه بزرگ مهرها در این مناطق مهم استراتژیکی یافت شده اند، سبب می شود تا بیانیشیم که شاهنشاه افرادی معتمد و کاردان را برای اداره این نقاط مهم به کار می گرفت. نام و منصب شخص را بر روی مهر حک می کردند و به عنوان حکم انتصاب او به این مقام، مهر آماده شده را به او اعطا می نمودند. شخص منتصب نیز می توانست تحت نظارت شاه در زیر مجموعه اش افرادی را استخدام نماید و به آنان مهرهایی (تحت عنوان حکم انتصاب به سمتی) اعطا نماید. در این صورت مقام و مناصب اداری و نظامی مهرهایی داشتند که یا به گردن می آویختند یا به عنوان حلقه در انگشت می کردند. پس از پایان ماموریت هر یک از افراد، مهرهای آنان به عنوان اسناد مهم کارگزاران و دیوانسالاران دولتی به بایگانی فرستاده می شد. و بدین ترتیب، مهرهای جدیدی برای مسئولین جدید ساخته می شد و در این صورت دیوانسالاران، روحانیون و سایر کارمندان عالی رتبه می بایست دارای مهری بوده باشند.

- بر روی یک گلوله گلی، گاه یک اثر مهر وجود دارد و این در حالی است که برخی دارای اثر مهرهای بی شماری می باشند که گاهی اوقات گویی شخصی با مهر بازی می کرده و اثر مهرهایی با یک نقش را ایجاد و همان را تکرار می کند. این امر نشان دهنده یک تجمع است، البته «گردهم آمدن تعداد زیادی مهر کننده برای مهر کردن یک سند در همه جا و همه وقت امری معمولی بوده است» (گوبل، ۱۳۸۴، ۱۲۳)، اما شاید اثر مهرهای کوچک در کناره ها یا حواشی، از آن گواهان یا مردمی باشد که در کسب و کار و تجارت دو شخصیت اصلی و برجسته با مهرهایی بزرگتر - یکی «اداری» و دیگری «شخصی» - فقط به عنوان تأیید صاحب مهر نقش شده باشد (Frye, ۱۹۶۸, ۱۱۸-۱۱۹)، ولی این امکان نیز وجود دارد که این تجمع شیوه ای برای رای گیری در آن دوران بوده باشد.



• شاید بتوان این نظر را در مورد تخت سلیمان مطرح کرد که مردم به هنگام آمدن برای زیارت به آتشکده آذر گشنسپ، نذوراتی را همراه خویش می آوردند. نیز شاید مردم محلی مالیاتشان را به این مکان می آوردند. روحانیون مشغول به کار در آتشکده، نذورات و مالیات های مردمی را مهر می نمودند و اثر مهرهای تهیه شده را می پختند و به عنوان اسناد مالیاتی و نذوراتی در بایگانی نگهداری می نمودند.

• شاید اثر مهرها برای رد و بدل کردن کارها و نامه های اداری بوده باشند و در واقع به جای وسایل ارتباط جمعی امروزی به کار می رفته اند. برای نمونه، برای انجام کار یک فرد، مقامات مختلفی به جای امضا، مهر خودشان را بر روی گل می زدند و بعد از اتمام کار اداری فرد، اثر مهر موجود را به عنوان سندی برای رسیدگی به کار یک ارباب رجوع، در بایگانی نگه داری می نمودند. همچنان که در دوران هخامنشی میزان تحویل آذوقه را بر الواح می نوشتند و بایگانی می نمودند (بنا بر این می توان گفت که در دستگاه اداری آن زمان نیز نوعی بروکراسی حاکم بوده است). در این صورت تخت سلیمان و قصر ابونصر و آق تپه بزرگترین مراکز اداری مرجع به شمار می رفته اند. به دلیل مرجع بودن این مکان ها، حکاکان از اصولی استفاده می نمودند، مانند استفاده از نمادها مانند اسب بالدار (نماد آتشکده آذر گشنسپ) و یا اختصارات، که یک شخص به محض دیدن یک مهر مقام و مکان صاحب مهر را تشخیص دهد. البته در آن زمان «گل ارزان و ماده ای در دسترس برای عموم مردم بوده است، ولی پاپيروس و چرم بسیار گرانبهاتر بودند» (Frye, ۱۹۷۴, ۵۵). بنابراین، مردم عادی نمی توانستند از چرم، پاپيروس و یا پارشمن استفاده کنند.

## ۱۰- نتیجه گیری

اثر مهرهای بسته شده به کالاهای و اسناد برای تأیید دست نخوردگی و سالم بودن کالا و اسناد به کار می رفته اند. در هر صورت باید در نظر داشت که این اثر

مهرها برای جلوگیری از سوء استفاده یا استفاده مجدد از آن و ارزیابی های دوباره به بایگانی فرستاده و در آرشیو نگه داری می شده اند و در این صورت نیز آتشکده آذرگشنسپ، آتشکده بزرگ شاهنشاهی ساسانی، مرکز تجاری مهمی بوده است. «باید در نظر داشت که هنر ساسانی که می خواست «ملی» بماند، مجموعه ای از تصاویر را آماده و تثبیت کرد و آن‌ها را به طرز خستگی ناپذیر با مقیاس خیلی بزرگ بر روی صخره ها و با مقیاس کوچکتر بر روی دیوار کاخ و ته جام و سطح کوچک سنگ مهر استنساخ کرد» (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۴۶).

به طور کلی، کشف مهرها و اثرمهرهای دوران ساسانی خدمات زیادی را به مطالعات ساسانی نموده است: مهرها ما را با «مقامات رسمی» دولتی و دینی چه از لحاظ چهره شناسی و چه نام شناسی و کنیه شناسی و نیز با صلاحیت‌های سیاسی، اداری و مذهبی آن‌ها آشنا می سازند (ویژه هوفر، ۱۳۸۲، ۲۰۴). نیز از تقسیمات کوچک اداری نواحی مختلف و سلسله مراتب تشکیلات ایالتی و حتی تعداد موبدان اطلاعات خوبی در اختیار می گذارند (دریایی، ۱۳۸۳، ۲۰). هم چنین چون در آن زمان افراد بیشتر با نام ایالت، شهرستان و خاندانشان شناخته می شدند، در می یابیم که در اواخر دوره ساسانی تعداد بسیاری از افرادی که سازمان های اداری و مناصب بسیار مهم را در دست داشتند، پارتی بودند و آن‌ها بیشتر سپهسالار و عناوین نظامی را داشتند. برای مثال می توان به مهرهای ذکر شده اشاره نمود: داد بُرز مهر اسب بد پارتی  $dād-burz-mihr \bar{i} aspbed \bar{i}$  (pahlaw)، سپاهبد سمت شرق (۳۶، ۲۰۰۱، Gyselen، مهر شماره ۱b)، دادبُرز مهر اسب بد پارتی  $dād-burz-mihr \bar{i} aspbed \bar{i} pahlaw$  (پناه بُرزین مهر) (buzēnmihr) (۴۹، Ibid، مهر شماره A) و نیز بر مهری از سپاهبد شمال نام "mtl'n" (مهران) پس از نام شخص دیده می شود. به نوشته منابع دوره اسلامی، خانواده مهران از خانواده های بزرگ ایران بودند که اغلب مقامات بالای سپاه را در دست داشتند (Ghodrat-Dizaji، ۲۰۰۷، ۸۸).

این کشف همچنان به مشخص شدن نام ضربخانه هایی که بر روی سکه های ساسانی به اختصار نوشته شده بودند، کمک فراوانی نمود؛ زیرا حل مسئله محل های ضرب سکه نه تنها برای تاریخ سکه ایران، بلکه فراتر از آن برای تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران اهمیت والایی دارد (قلیزاده، ۱۳۸۷، ۳۷۶). تاکنون از نشانه های یکصد ضربخانه ساسانی آگاهی داریم (قدرت دیزجی، ۱۳۸۶، ۳). «هرتسفلد مهرهای گلی دولتی ساسانی را بررسی کرد و مشخص نمود که در مرکز این مهرهای گلی گاهی نوشته هایی دیده می شوند که از نشانه های موجود بر روی سکه ها اخذ شده اند و بر روی نوشته های حاشیه مهرها کوه نوشته نام مکانی دیده می شود و بدین ترتیب اثر هرتسفلد برای ما مبنای یک سلسله از کوه نوشته ها را مهیا می کند» (قلیزاده، ۱۳۸۷، ۳۸۲).

پی بردن به تحولات خط، یکی دیگر از خدمات مهرها به مطالعات ساسانی است. خط بر روی مهرها نوعی تحول از پهلوی کتیبه ای به پهلوی کتابی را تجربه نموده است (گوبل، ۱۳۸۴، ۷۷). بنابراین، کتیبه های روی مهرها، حایز اهمیت فوق العاده ای هستند. از طرف دیگر، مهرهای متعلق به زنان، حاکی از نقش فعال آنان در امور اجتماعی ایران ساسانی است (تفضلی، ۱۳۷۶، ۱۱۰). همچنین، تعداد فراوان و کیفیت مختلف مهرها نشان می دهد که مردمی با وضع و موقعیت کاملاً متنوع در دوره ساسانیان از مهر استفاده می نمودند (شیپمان، ۱۳۸۴، ۱۵۲). اهمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی مکان هایی که مهرها در آن کشف شدند، به اثبات رسید. چنان که بسیاری از مهرواره ها و مهرواره های متعلق به فارس و مراکز دیگر که نام یکی از شهرها یا نواحی فارس را دارند، از اهمیت اقتصادی فارس در آن دوران خبر می دهند (دریایی، ۱۳۸۴، ۵۴).

## یادداشت ها

- وظیفه خود می دانم از اساتید ارجمند و فرزانه ام جناب آقایان دکتر مهرداد قدرت دیزجی، عضو هیأت علمی دانشگاه اورمیه و دکتر خسرو قلی زاده، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور اورمیه، که مرا در نگارش این مقاله یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم.

### کتابنامه

۱. تفضلی، احمد (۱۳۶۹)، «آتشکده»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ج ۱.
۲. — (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات سخن.
۳. — (۱۳۸۷)، جامعه ساسانی: ارتشتاران، دبیران، دهقانان، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۴. دریایی، تورج (۱۳۸۲)، «نقدی بر کتاب چهار سپاهبد ساسانی»، نامه ایران باستان، ش ۲.
۵. — (۱۳۸۳): سقوط ساسانیان: فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی حسینک لو، تهران، نشر تاریخ ایران.
۶. — (۱۳۸۴)، تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران، انتشارات ققنوس.
۷. سرفراز، علی اکبر و آور زمانی، فریدون (۱۳۸۷)، سکه های ایران از آغاز تا دوران زنده، تهران، انتشارات سمت.
۸. شکاری نیری، جواد و ضیافر، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «آذرگشنسب (شهر شیز) مجموعه ای با عملکرد علمی و دینی»، مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۱۶.
۹. شمیمان، کلاوس (۱۳۸۴)، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، نشر فرزانه.
۱۰. کریستین، آرتور (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر.
۱۱. فون دراوستن، هانس هنینگ و نامان، رودولف (۱۳۷۳)، تخت سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۱۲. قدرت دیزجی، مهرداد (۱۳۸۶)، «اهمیت مدارک باستان شناختی برای تاریخ ساسانی»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه (ویژه تاریخ)، شماره ۲.
۱۳. قلی زاده، خسرو (۱۳۸۷)، «نشانه های محل ضرب بر پشت سکه های ساسانی»، آفتابی در میان سایه ای، به کوشش علیرضا مظفری و سجاد آیدنلو، تهران، نشر قطره.
۱۴. گوپل، روبرت (۱۳۸۴)، گیل مهرهای تخت سلیمان: جستاری در مهر شناسی اواخر ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.

۱۵. گیرشمن، رومان (۱۳۷۰)، **هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی**، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. ناومان، رودلف (۱۳۷۴)، **ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان**، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۷. واندنبرگ، لوئی (۱۳۷۹)، **باستان‌شناسی ایران باستان**، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. ویزه هوفر، یوزف (۱۳۸۳)، **ایران باستان**، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۹. یار شاطر، احسان و دیگران (۱۳۸۷)، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**، ترجمه حسن انوشه، ج ۳ (قسمت اول)، تهران، امیر کبیر.
۲۰. Frye, R.N. (۱۹۶۸), "Sasanian Clay Sealing in the Collection of Mohsen Foroughi", *Iranica Antiqua*, vol. ۸.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۹۷۳), **Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr: Seals, sealing and Coins**, Cambridge, Mass.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۹۷۴), "Sasanian Seals and Sealing's", in Ph. Gignoux and A. Tafazzoli (eds.), *Memorial Jean de Menase*, Lovain- Tehran.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۲۰۰۲), "Bullae", *Encyclopedia Iranica*, Vol ۳, New York.
۲۴. Ghodrat-Dizaji, M. (۲۰۰۷), "Administrative Geography of the Early Sasanian Period: The Case of Ādurbādān" *Iran, Journal of the British Institute of Persian studies*, vol. ۴۵.
۲۵. Gyselen, R. (۱۹۸۹), **La Géographie Administrative de Lempire Sassandie**, Paris.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۲۰۰۱): **The Four Generals of the Sasanian Empire: Some Sigillographic Evidence**, Rome.
۲۷. Huff, D. (۱۹۸۷), "Technological Observations on Clay Bullae from Takht-i Suleiman", *Mesopotamia*, vol. ۲۲.
۲۸. Nokandeh, J. et. al. (۲۰۰۶), "Linear Barriers of Northern Iran: The Great Wall of Gorgan and the Wall of

- Tammishe**”, Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies, vol.۴۴.
۲۹. Perkhaniyan, A. (۱۹۹۷), **The Book of Thousand Judgments: A Sasanian Law-book**, New York.
۳۰. Yamauchi, K. (۱۹۹۳), **Vocabulary of Sasanian Seals**, Tokyo.

